

ادامه از صفحه ۱۰

کلیه‌هایی از کار در حوزه توانمندسازی زنان

و... باید برای کسانی که تازه وارد شده‌اند، تسهیل شود. یکی از چالش‌های ما این است که وقتی می‌خواهیم موضوعی را در منطقه‌ای جا بیندازیم، چون باید کار بقیه نهادهای مرتبط با موضوع را که عمدتاً دولتی هستند، خودمان انجام دهیم، به این ترتیب انرژی بسیاری به هدر می‌رود. یک بخشی طبیعی است اما بخش دیگر آن خیر. برای مثال وقتی در منطقه‌ای کار آموزشی برای کارآفرینی انجام می‌دهیم، باید تسهیلات مرتبط در اختیار قرار بگیرد. نه حمایت بلاعوض بلکه در بستر قانونی خود که این مورد نیز بسیار کند پیش می‌رود و در نتیجه بسیاری انگیزه خود را از دست می‌دهند و کار برایشان بی‌معنی می‌شود. یک بخشی از کار ما به نهادهای دولتی برمی‌گردد چون منابع مالی در دست آنهاست. این درحالی است که ما صرفاً این افراد را به نهادهای دولتی متصل نمی‌کنیم، بلکه به بخش خصوصی و سایر نهادهای مدنی نیز معرفی می‌کنیم و در حقیقت کار نهاد مدنی نیز همین است یعنی این نهادها، عامل تسهیل کننده‌اند.

به این معنی که موضوع را تبیین کرده و سعی در جمع منابع برای خدمت به جامعه هدفی که برای آن فعالیت می‌کند، دارند.

اما این شرایط برای فعالیت اقتصادی زنان بیشتر دیده می‌شود... شما برای رفع این موانع چه تدابیری اندیشیده‌اید؟

بله اما خصوصاً درباره فعالیت زنان و زنان سرپرست خانوار در شرایط خاصی رایزنی‌هایی کردیم تا کارها تسهیل شود و البته توفیق نسبی نیز داشتیم اما متأسفانه این موارد مقطعی بودند و برای تسهیل پروژه‌ای بود که در آن قرار داشتیم و برای آن که افراد به امکاناتی دست یابند یا معتمدین، عوامل محلی، بانک‌ها و... جلسات مکرر داشتیم تا به افرادی که معرفی می‌کنیم امکاناتی بدهند. البته این کار غیرقانونی می‌نمود در واقع امری بود در راستای جاری و ساری شدن قانون. ما در قانون مشکل نداریم بلکه اجرای قانون است.

اما نگاه خودتان به مقوله توانمندی چیست؟ چرا که توانمندی از نگاه برخی از پژوهشگران مانند کانتر، اعطای قدرت به افرادی است که در نقاط ناآرام درآمد سازمان ضروری دارند و در حقیقت شکستن مرزهای حضور هم مالی نیست و برخی نگاه توسعه‌ای دارند می‌شوند. شما هیچگاه از این منظر و کاروری این بخش وارد شده‌اید؟

این نگاه درستی است اما ما روی زنان شاغل کار نمی‌کنیم و این درحالی است که از نگاه من، بحث توانمندی بحثی نسبی است و نمی‌توان همه را به موازات یکدیگر رشد داد و بخش عمده‌ای از این امر به خود افراد و انگیزه و نیاز آنها بستگی دارد. این نیاز لزوماً هم مالی نیست و برخی نگاه توسعه‌ای دارند و در حقیقت توسعه برای توسعه برایشان مطرح است و دغدغه‌های محلی و ملی دارند. این افراد خودشان روی خودشان اثر می‌گذارند. اما بخش دیگر اثر گذار محیط است. وقتی قانونمندی فضای تسهیل کننده برای کسب و کار وجود دارد، واضح است که تعداد بیشتری جلوی می‌آیند. این هم مانند متحنی نرمال است. عده خاصی هستند که

یکی از چالش‌های ما این است که وقتی می‌خواهیم موضوعی را در منطقه‌ای جا بیندازیم، چون باید کار بقیه نهادهای مرتبط با موضوع را که عمدتاً دولتی هستند، خودمان انجام دهیم، به این ترتیب انرژی بسیاری به هدر می‌رود.

بله اما خصوصاً درباره فعالیت زنان و زنان سرپرست خانوار در شرایط خاصی رایزنی‌هایی کردیم تا کارها تسهیل شود و البته توفیق نسبی نیز داشتیم اما متأسفانه این موارد مقطعی بودند و برای تسهیل پروژه‌ای بود که در آن قرار داشتیم و برای آن که افراد به امکاناتی دست یابند یا معتمدین، عوامل محلی، بانک‌ها و... جلسات مکرر داشتیم تا به افرادی که معرفی می‌کنیم امکاناتی بدهند. البته این کار غیرقانونی می‌نمود در واقع امری بود در راستای جاری و ساری شدن قانون. ما در قانون مشکل نداریم بلکه اجرای قانون است.

این نگاه درستی است اما ما روی زنان شاغل کار نمی‌کنیم و این درحالی است که از نگاه من، بحث توانمندی بحثی نسبی است و نمی‌توان همه را به موازات یکدیگر رشد داد و بخش عمده‌ای از این امر به خود افراد و انگیزه و نیاز آنها بستگی دارد. این نیاز لزوماً هم مالی نیست و برخی نگاه توسعه‌ای دارند و در حقیقت توسعه برای توسعه برایشان مطرح است و دغدغه‌های محلی و ملی دارند. این افراد خودشان روی خودشان اثر می‌گذارند. اما بخش دیگر اثر گذار محیط است. وقتی قانونمندی فضای تسهیل کننده برای کسب و کار وجود دارد، واضح است که تعداد بیشتری جلوی می‌آیند. این هم مانند متحنی نرمال است. عده خاصی هستند که

نحوه ارتباط شما با زنان تاکنون به چه شکل بوده است؟ آیا پیش آمده که زنان خودشان برای انجام کار به انجمن شما مراجعه کنند؟

خیر، ما تاکنون از طریق تشکل‌های دیگر و سازمان‌هایی که با کار ما آشنا بودند، ارتباط برقرار کردیم. برای مثال روی ایده‌ای به توافق رسیدیم، ۱۵۰ زن را شناسایی کردیم، برنامه آموزشی برقرار کرده و سپس با تک‌تک آنها مصاحبه انجام دادیم و نوع کاری را که می‌توانستند انجام دهند برایشان مشخص شد. تعداد اندکی از این زنان امکان اداره خود و دیگران را داشتند. عده‌ای خوداشتغال بودند و می‌توانستند برای خودشان ایجاد شغل کنند و عده‌ای هم نمی‌توانستند خودشان را مدیریت کنند اما می‌توانستند برای دیگران کار کنند. به این ترتیب ما به آنها خدمات مشاوره‌ای دادیم و آنها را به یک بازار متصل کردیم و تا هر زمان که به خدمات مشاوره‌ای نیاز داشته باشند در خدمت آنها هستیم.

عوامل محیطی را تا چه میزان در این موضوع دخیل می‌دانید؟

بسیار زیاد. متأسفانه محیط کسب و کار ما فرصت‌های خوبی را ایجاد نکرده است و عوامل پیرامونی، حقوقی، اقتصادی و سیاسی زیادی هستند که عامل ایجاد مشکل شده‌اند اما مشکل اصلی اینجاست که زنان سرپرست خانوار می‌خواهند معاش خود را به دست بیاورند و برای آنها باید امکانات و برنامه‌ریزی‌های بیشتری را اختصاص داد. اما فراتر از همه اینها، این امری بدیهی است که هر چه محیط فراهم‌تر باشد و امنیت اجتماعی و اقتصادی بیشتر باشد ظهور و بروز فعالیت اقتصادی برای زنان نیز بیشتر خواهد بود.

تعداد نهادهای مدنی در راستای فعالیتی که شما انجام می‌دهید چگونه است؟ کم هستند. ضمن این که آمار مشخصی ندارم و دلیل آن هم این است که متأسفانه آمار نهادهای مدنی بسیار ضد و نقیض است. ضمن این که طی سال‌های اخیر بسیاری از نهادهای مدنی به دلیل شرایط اجتماعی جامعه یا ناتوانی آن نهادها تعطیل شدند ولی در بحث نهادهای مدنی کارآفرین نیز تعداد بسیار کمی فعال هستند. نهادهای مدنی در حقیقت می‌توانند کار کردهای بسیاری داشته باشند اما وقت و انرژی بسیاری را صرف حاشیه می‌کنند. از بحث مجوز و تمدید و... و بخشی هم مربوط به ظرفیت‌های درونی نهادهای مدنی است.

در حقیقت یک بخش درونی است و بخشی هم برونی است. مشکل اساسی این است که بستر فراهم نیست و باید بستری شود و ما چون در کار خودمان، بستر را خود می‌سازیم یا خیلی مشکلات اساسی مواجه نبودیم اما واقعیت این است که باید بستر برای رشد نهادهای مدنی فراهم باشد. مهم کمیت آنها نیست بلکه کیفیت است که بتواند موثر واقع شود و کار خود را توسعه دهد.

شاید حالا بتوانم جواب ساده‌اول بحث را تکمیل کنم. دست‌انداز پاسخ ما است به همه چیزهای زشتی از این دنیا که دوست‌شان نداریم. دست‌انداز نشانه ایمان ما به قدرت و توانمندی تک‌تک آدم‌هاست. دست‌انداز زروی بلند ما است برای برداشتن یک قدم به سوی جهانی بدون فقر و دست‌انداز دست‌اندازی از فقر کلان‌دانشی را مثال می‌زنند و می‌گویند همه ما دراز شده و منتظر است تا آن را بفشاریم و شریک روپایش شویم در رسیدن به جهانی که انسان‌هایی توانمند آن را بهتر، سالم‌تر و زیباتر از امروز می‌سازند.

واقعیت این است که ما در بحث‌های قانونی مشکل نداریم بلکه بیشتر نظرات شخصی است که ایجاد مشکل می‌کند. برای مثال منع کار کردن زنان و دختران در کافی‌شاپ‌ها که چندی پیش مطرح شد، در قانون چنین چیزی وجود ندارد چرا که طبق قانون اساسی زن و مرد آزادند هر شغلی را انتخاب کنند و میناهم قانون است البته که بحث کسب و کار نیازمند قوانین جدیدی است

برای تسهیل کار. در تمام نقاط دنیا نیز زمانی که خواستند امری را توسعه دهند مفاهیم مرتبط با آن را شکل داده و قوانین تسهیل کننده جدیدی را وارد کرده‌اند. از سوی دیگر عوامل مداخله کننده در ایجاد کسب و کار باید کم شوند و در واقع مسیر هموار شود و اگر کسی شایستگی ورود به این عرصه را دارد، به او کمک شود و البته نه هر کس مانند طرح‌های زودبازده که معلوم نشد آن پول کجا رفت. به این ترتیب قوانین مالیاتی، بیمه‌ای



عکس: محمدرضا

می‌کنند نیازی به فروش اینترنتی ندارند یا به ملزومات آن آگاه نیستند.

از سوی دیگر دست‌انداز کسب و کار اجتماعی است، یعنی در عین آن که کاری با هدفی اجتماعی است و سود کار فقط برای گسترش و بهبود کار صرف می‌شود، باید همچون یک کسب و کار اقتصادی به سوددهی برسد. در واقع فرق ما با خیریه‌های معمول در همین نکته است و باید به جایی برسیم که برای اداره و ادامه فعالیت‌مان نیاز به حمایت بیرونی نداشته باشیم. در این زمینه هم دور بودن ما از تهران باعث بروز مشکلاتی شد. به عنوان مثال ما قادر به تماس مفید و موثر با شرکت‌ها، کارخانه‌ها و... نبودیم تا از آنها دعوت کنیم با دادن سفارش تولید محصولاتی خاص، ضمن تهیه هدایای شرکتی خودشان با حمایت از یک کسب و کار اجتماعی، شریک یک فعالیت‌نوی اجتماعی شده و مسئولیت خود را در جامعه ایفا کنند.

البته طی مدت فعالیت‌مان با همراهی دلگرم کننده شما هم روبه‌رو بودیم. مشتری‌هایی داشتیم که حاضر به کسر مبلغ تخفیف از قیمت نهایی نشدند تا بیشتر شریک کار دست‌انداز شوند. افراد سازمان‌هایی بودند که تجربیات و حمایت‌شان را بی‌شائبه در اختیار ما قرار داده‌اند و همکاری داشته‌ایم که با وجود همه مشکلات، داوطلبانه برای موفقیت دست‌انداز تلاش کرده‌اند. این امر حله امیدواریم بتوانیم با طراحی یک برنامه جامع بازاریابی و فروش و بهره‌گیری از کمک‌های داوطلبانه و جذب حامیان مالی بتوانیم دست‌انداز را به نقطه سودرسانی برسایم. در مراحل بعدی اهدافی همچون توان‌افزایی و مهارت‌آموزی تولید کنندگان تحت پوشش یا ارائه‌اندازی صندوق اعتبارات خرد را نیز در برنامه داریم.

شاید حالا بتوانم جواب ساده‌اول بحث را تکمیل کنم. دست‌انداز پاسخ ما است به همه چیزهای زشتی از این دنیا که دوست‌شان نداریم. دست‌انداز نشانه ایمان ما به قدرت و توانمندی تک‌تک آدم‌هاست. دست‌انداز زروی بلند ما است برای برداشتن یک قدم به سوی جهانی بدون فقر و دست‌انداز دست‌اندازی از فقر کلان‌دانشی را مثال می‌زنند و می‌گویند همه ما دراز شده و منتظر است تا آن را بفشاریم و شریک روپایش شویم در رسیدن به جهانی که انسان‌هایی توانمند آن را بهتر، سالم‌تر و زیباتر از امروز می‌سازند.

توانمندی فنی و فکری

پس از این بود که در موسسه گوهر بینا سعی کردیم به شیوه‌ای که خودمان فکر می‌کردیم منتهی به توانمندی زنان است. کار کنیم. ما در این کار گاه ۴ دستگاه چرخ و چند دستیار داریم. من در این موسسه سراغ کار تولیدی نرفتم چون این نتیجه نظام سرمایه‌داری است که یک کارگر مثلاً فقط زبست بسوزد و اگر برود بیرون دوباره هیچ کاره است. من گفتم صفر تا صد کار خطایی را باید یاد بگیرند و آن‌قدر زرنگی کنند که همان‌گونه که کارفرما در بازار کار می‌گیرد آنها هم برای خودشان کار تولید کنند. برای توزیع کارهایشان من با بر گزار کنندگان شوهای لباس صحبت کردم که کار را به زنان موسسه بدهند. به این شکل بچه‌هایی که در تولیدی کار می‌کنند سخت‌ترین مانع را با مبلغ ۱۸۰۰ تومان می‌دوزند اما بچه‌های ما همان را با ۳۰ هزار تومان می‌دوزند. بعد از آن در زمینه درآمد ۸۰ درصد را به بچه‌ها اختصاص دادیم و تنها ۲۰ درصد را به موسسه اختصاص دادیم که آن هم به دست تعمیر چرخ‌ها و پول برق و اجاره شهرداری است. در این قالب ساید بسود تعریف خوبی از توانمندی‌های ما بود. بعد هم به آنها مدت زمان ۶ ماه دادیم برای این که خودشان قدرت بگیرند و وسایل کار تهیه کنند و اگر توانستند از کارگاه بیرون بیایند تا یک نفر دیگر

تجربهای از مدیر یک گروه توانمندسازی زنان دستی به سوی جهان بدون فقر

فاطمه روزخانی | مدیر گروه دست‌انداز

هستند. هدف بزرگ ما از آغاز این بود. توانمندی‌های اقتصادی تولید کنندگان خانگی و مستقل از طریق فروش می‌شود. پس تصمیم گرفتیم با تأسیس یک فروشگاه آنلاین به حل این مشکل کمک کنیم و دست‌انداز فروشگاه‌های شد برای فروش محصولات افرادی از اقشار آسیب‌پذیر، همین‌طور تولید کنندگان مستقل که به نوعی حامی گروه اول نیز هستند. در این میان زنان برای ما از اولویت بالاتری برخوردار بودند، زیرا معمولاً زنان برای دسترسی عادلانه به بازار با مشکل بیشتری روبه‌رو هستند. همین‌طور در آمد زنان معمولاً به شکل مفیدتری صرف می‌شود. هم‌اکنون بیش از ۶۰ درصد تولید کنندگان ما زنان هستند و نکته جالب توجه این که اکثریت اعضا و اکثریت خریداران دست‌انداز هم زنان

من شیفته کتاب‌ها و فعالیت‌های محمد یونس در بنگلادش هستم. پروفیسور یونس، اقتصاددانی است که با ارائه نظریه وام‌ها و اعتبارات خرد و همین‌طور کسب و کارهای اجتماعی، تغییراتی بزرگ در کشور خودش و بسیاری کشورهای دیگر به وجود آورد. یونس معتقد است همه ما هر چقدر هم که فقیر و آسیب‌پذیر باشیم آدم‌هایی توانمند هستیم. اما از زمان بسیار فقیر بنگلادش‌سی را مثال می‌زنند و می‌گویند همه آنها حداقل در یک کار، مثلاً بافتن حصیر آن قدر مهارت دارند که اگر برای تأمین هزینه مواد اولیه و... کمک‌شان کنیم خودشان قادر به کسب در آمد خواهند بود و در قدم‌های بعدی در صورت نیاز به دنبال آموزش و ارتقاء مهارت‌هایشان هم خواهند رفت.

محمد یونس با این دیدگاه بیش از ۷ میلیون نفر را در بنگلادش از فقر مطلق نجات داد و فکر می‌کنید موثر محرک کارهای او چه کسانی بودند؟ زنان! زنان فقیر بنگلادشی بیش از ۹۰ درصد وام‌های خرد را در دریافت کرد و در آمدشان وضع زندگی کل خانواده را بهبود بخشید.

تولید فعالیت می‌کنند و تنها ۳۰ تا ۵۰ درصد قیمت نهایی را دریافت می‌کنند و مابقی در آمد نصیب واسطه‌ها می‌شود. پس تصمیم گرفتیم با تأسیس یک فروشگاه آنلاین به حل این مشکل کمک کنیم و دست‌انداز فروشگاه‌های شد برای فروش محصولات افرادی از اقشار آسیب‌پذیر، همین‌طور تولید کنندگان مستقل که به نوعی حامی گروه اول نیز هستند. در این میان زنان برای ما از اولویت بالاتری برخوردار بودند، زیرا معمولاً زنان برای دسترسی عادلانه به بازار با مشکل بیشتری روبه‌رو هستند. همین‌طور در آمد زنان معمولاً به شکل مفیدتری صرف می‌شود. هم‌اکنون بیش از ۶۰ درصد تولید کنندگان ما زنان هستند و نکته جالب توجه این که اکثریت اعضا و اکثریت خریداران دست‌انداز هم زنان

من شیفته کتاب‌ها و فعالیت‌های محمد یونس در بنگلادش هستم. پروفیسور یونس، اقتصاددانی است که با ارائه نظریه وام‌ها و اعتبارات خرد و همین‌طور کسب و کارهای اجتماعی، تغییراتی بزرگ در کشور خودش و بسیاری کشورهای دیگر به وجود آورد. یونس معتقد است همه ما هر چقدر هم که فقیر و آسیب‌پذیر باشیم آدم‌هایی توانمند هستیم. اما از زمان بسیار فقیر بنگلادش‌سی را مثال می‌زنند و می‌گویند همه آنها حداقل در یک کار، مثلاً بافتن حصیر آن قدر مهارت دارند که اگر برای تأمین هزینه مواد اولیه و... کمک‌شان کنیم خودشان قادر به کسب در آمد خواهند بود و در قدم‌های بعدی در صورت نیاز به دنبال آموزش و ارتقاء مهارت‌هایشان هم خواهند رفت.

محمد یونس با این دیدگاه بیش از ۷ میلیون نفر را در بنگلادش از فقر مطلق نجات داد و فکر می‌کنید موثر محرک کارهای او چه کسانی بودند؟ زنان! زنان فقیر بنگلادشی بیش از ۹۰ درصد وام‌های خرد را در دریافت کرد و در آمدشان وضع زندگی کل خانواده را بهبود بخشید.

به‌جای مقدمه نوشتن برای یک یادداشت با موضوعی به این روشنی، مستقیم می‌روم سراغ سوال اصلی: چرا سراغ توانمندسازی بویه‌خصوص توانمندسازی زنان رفتیم؟ ساده‌ترین جواب ما این است: چون فکر می‌کنیم همه ما انسان‌ها بالقوه توانمندیم، فقط باید زمینه‌ای برای پرورش این توانمندی‌ها داشته باشیم.

اما این جواب ساده زیاد روشن نیست، پس بگذارید ماجرای را برایتان تعریف کنم. من شیفته کتاب‌ها و فعالیت‌های محمد یونس در بنگلادش هستم. پروفیسور یونس، اقتصاددانی است که با ارائه نظریه وام‌ها و اعتبارات خرد و همین‌طور کسب و کارهای اجتماعی، تغییراتی بزرگ در کشور خودش و بسیاری کشورهای دیگر به وجود آورد. یونس معتقد است همه ما هر چقدر هم که فقیر و آسیب‌پذیر باشیم آدم‌هایی توانمند هستیم. او زنان بسیار فقیر بنگلادش‌سی را مثال می‌زند و می‌گوید همه آنها حداقل در یک کار، مثلاً بافتن حصیر آن قدر مهارت دارند که اگر برای تأمین هزینه مواد اولیه و... کمک‌شان کنیم خودشان قادر به کسب در آمد خواهند بود و در قدم‌های بعدی در صورت نیاز به دنبال آموزش و ارتقاء مهارت‌هایشان هم خواهند رفت.

محمد یونس با این دیدگاه بیش از ۷ میلیون نفر را در بنگلادش از فقر مطلق نجات داد و فکر می‌کنید موثر محرک کارهای او چه کسانی بودند؟ زنان! زنان فقیر بنگلادش‌سی بیش از ۹۰ درصد وام‌های خرد را در دریافت کردند و در آمدشان وضع زندگی کل خانواده را بهبود بخشید. تحقیقات دیگری در کشورهای مختلف دنیا از جمله بنگلادش‌سی نشان می‌دهد که منفعند در آمد زنان بیشتر از مردان به کل خانواده می‌رسد. در آمد زنان به شکلی آشناری در خانواده و جامعه سودرسان است، چرا که صرف تحصیل، بهداشت و تغذیه سالم کودکان خانواده می‌شود.

من و بقیه اعضای تیم دست‌انداز هم دلمان می‌خواست جزئی از این جریان باشیم، جریانی که جهان را بدون فقر می‌خواهد. اما مثل هر پروژه و ایده دیگری باید این برنامه‌ها را بومی می‌کردیم و بعد به دنبال اجرای آن می‌رفتیم. به همین دلیل به مشاهده دقیق محیط اطرافمان پرداختیم و یکی از چیزهایی که توجه‌مان را جلب کرد مسأله فروش بود.

ما متوجه شدیم زنان بسیاری هستند که در عرصه‌های

تجربه

